



**اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران**  
**معاونت بررسی‌های اقتصادی**

## **نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در توسعه صادرات**



در این مطلب ضمن اشاره‌ای به نتایج برخی از مطالعات و بررسی‌های انجام شده در رابطه با اثرات جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اقتصاد کشورها، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در اشتغال و ارزش افزوده برخی از اقتصادها مرور و دستاوردهای ناشی از جذب سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه صادرات، ارائه شده است.



## اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر عملکرد صادراتی

یکی از محرک‌های مهم توسعه اقتصادها، سرمایه‌گذاری بوده و به منظور رشد و تنوع بخشی، هر اقتصادی نیاز به هر دو نوع سرمایه‌گذاری؛ از منظر منشا، یعنی سرمایه‌گذاری داخلی و سرمایه‌گذاری خارجی دارد.

بهره برداری مناسب از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فواید و منافع گسترده‌ای برای اقتصادها دارد. مقاله اقتصادی که تقریباً ۳۰ سال پیش توسط مدرسه کسب‌وکار هاروارد منتشر شد<sup>۱</sup> برخی از منافع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)<sup>۲</sup> را ارائه کرده است. به طور خلاصه دستاوردهای حاصل از FDI شامل خلق شغل، انتقال تکنولوژی و دانش فنی (مدیریت مدرن و روش‌های کسب و کار)، دسترسی به بازارهای بین‌المللی و دسترسی به تامین مالی بین‌المللی می‌گردد.

برخی از عواید ناشی از FDI بدلیل وجود سرمایه‌گذاری داخلی حاصل می‌شود. به عنوان نمونه، سرمایه‌گذاری داخلی مشاغلی را تولید می‌کند که در برخی موارد به مراتب بیشتر از FDI است ولی آنچه در خلق اشتغال توسط FDI اتفاق می‌افتد، به حداکثر رسانی منافی است که قبلاً توسط سرمایه‌گذاری داخلی در اقتصاد در حال توسعه ایجاد شده است. اگرچه ممکن است تعداد مشاغلی که توسط FDI ایجاد می‌شود کمتر از مشاغل سرمایه‌گذاری داخلی نباشد ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد مشاغل ایجاد شده توسط FDI آنهایی هستند که به مهارت‌های بالایی نیاز داشته و در نتیجه دستمزد بالاتری نیز دریافت می‌کنند. در سایر موارد مانند دسترسی به تکنولوژی و روش‌های مدیریتی هم این موضوع صدق می‌کند یعنی بدلیل دارا بودن تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر و روش‌های مدیریتی جدید، نرخ تولیدات و بهره‌وری در بنگاه‌های ایجاد شده توسط FDI از بنگاه‌های داخلی بالاتر است.

مشارکت با بنگاه‌های خارجی که کانال‌های توزیع در اختیار دارند و از ترتیبات تجاری در جهان برخوردارند، این امکان را برای بنگاه‌های داخلی فراهم می‌سازد تا دسترسی به بازارهای گسترده‌تر برای آنها تسهیل شود. سرمایه‌گذاری از نوع FDI ضمن ارتقاء سطح تکنولوژی صنایع، امکان کسب رقابت‌پذیری صادراتی را نیز به اقتصادهای در حال توسعه می‌دهد. یکی از شواهد آشکار این موضوع، تجارب کشور چین است. این کشور با استفاده از جذب FDI و خوشامدگویی به سرمایه‌گذاران خارجی به ایجاد ظرفیت‌های صنعتی و صادراتی در اقتصاد کشور، در وهله نخست در صنایع سبک مانند نساجی و اسباب بازی و در مراحل بعد در صنایع با ارزش افزوده بالاتر مانند صنعت خودرو و الکترونیک، کمک کرد. این اتفاق زمانی رخ داد که هم‌زمان بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه حتی سرمایه‌گذاری مشترک بنگاه‌های خارجی را محدود کرده بودند و شاید در آن زمان کشور چین تنها اقتصادی در جهان بود که شرط حداقل ۲۵ درصد سهم خارجی را در سرمایه‌گذاری مشترک با هدف اطمینان‌یابی از تعهد طرف خارجی به سرمایه‌گذاری، اعمال کرده بود.

کشور چین از سرمایه‌گذاری خارجی بنگاه‌های فراملیتی نوظهور این کشور در سایر کشورهای خارجی از طریق ادغام و تملیک به منظور دسترسی بیشتر به تکنولوژی‌های پیشرفته هم استفاده کرد. نقش سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد

<sup>۱</sup> Alvin G. Wint, Subfield Paper on International Business Government Relations, Harvard Business School, Boston, December ۱۹۸۶

<sup>۲</sup> Foreign Direct Investment



چین، در واقع یک شتاب دهنده بزرگ برای تحقق اهداف اقتصادی اجتماعی ملی این کشور بود که موجب شد تا جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهانی بدست آورد.

وجود خط مشی بلند مدت و اجرای منظم سیاست‌های هدایت‌گر و هدفمند در چهارچوب استراتژی تقویت رقابت پذیری اقتصاد و بنگاه‌های داخلی باعث شد تا جذب FDI انبوهی از مشاغل و صادرات را برای اقتصاد چین به ارمغان بیاورد و از همه مهمتر بخش قابل توجهی از جمعیت این کشور از فقر رهایی یابند.

جذب FDI به سرعت بخشی به فرآیند توسعه یک اقتصاد، رفع عقب ماندگی از سایر رقبای پیشرو و تسهیل ورود و اتصال به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای<sup>۳</sup> و جهانی<sup>۴</sup> کمک می‌کند. بدیهی است بدون وجود یک استراتژی روشن، سیاست‌های شفاف و نهادهای قوی برای اجرای این سیاست‌ها، کسب همه منافع FDI، دشوار خواهد بود. سوال مشخص سیاست‌گذاران در این حوزه به جای اولویت دهی به انتخاب یکی از گزینه‌های سرمایه گذاری داخلی یا خارجی، بهتر است به این سوال که چگونه می‌توان از هر دو نوع سرمایه گذاری برای تولید حداکثری منافع برای اقتصاد و جامعه بهره جست؟، تغییر یابد.

همان طور که قبلاً اشاره شد FDI منافع متعددی برای اقتصادهای میزبان در بر دارد از جمله افزایش بهره‌وری، خلق مشاغل بهتر و انتقال دانش. همچنین FDI می‌تواند موتور محرکی برای تغییر تولید بنگاه‌های داخلی و اتصال بهتر آنها به زنجیره‌های ارزش جهانی شود. تردیدی نیست که دستیابی به این منافع به صورت اتوماتیک و خودکار صورت نمی‌گیرد. بانک جهانی در یکی از مقالات مربوط به بررسی اثرات سرمایه گذاری خارجی در اقتصادهای مدرن به این موضوع می‌پردازد که با توجه به انواع سرمایه‌گذاری خارجی و اثرات متفاوت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آنها، فرمولاسیون سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی به چهارچوب فنی مناسبی که قادر به تمیز بین انواع گوناگون FDI بوده و چالش‌ها و منافع آن را برای توسعه اقتصادی مشخص کند، نیاز دارد<sup>۵</sup>. در عین حال این چهارچوب می‌باید به اندازه کافی ساده باشد تا دولت‌ها قادر به سازماندهی و اولویت بندی متغیرهای متفاوت اثر گذار بر به حداکثر رسانی منافع حاصل از FDI باشند.

اقتصادهای میزبان نیاز به محیطی دارند تا انتقال منافع حاصل از FDI را به اقتصاد داخلی تقویت کنند. معمولاً بندرت اتصال‌های پسین و پیشین بین بنگاه‌های داخلی و خارجی، اتفاق می‌افتد و بدون وجود این ارتباطات، سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در صنایع استخراجی، صرفاً به بخش کمی از قلمرو اقتصادی، محدود خواهد شد. اعمال مقررات سخت‌گیرانه و الزامات و شرایط محدود کننده در مسیر جذب FDI در بسیاری از موارد خلاف روند رشد بهره‌وری اقتصاد عمل می‌کنند. طراحی و اجرای درست سیاست‌های جذب FDI و استراتژی‌هایی که در بر گیرنده اجزای قوی برای توسعه پیوندها باشند به کشورها کمک می‌کند تا دستاوردهای مثبت FDI را در راستای اهداف چشم انداز بلند مدت آنها، تامین نماید.

<sup>۳</sup> Regional Value Chains; RVC

<sup>۴</sup> Global Value Chains; GVC

<sup>۵</sup> Echandi, R., Krajcovicova, J., and Qiang, Christine Z. ۲۰۱۵. Impacts of Investment Policy in the Global Modern Economy: A Review of Literature. Policy Research Working Paper ۷۴۳۷. World Bank, Washington, D.C.



معاونت بررسی های اقتصادی

یکی از اثرات مهم جذب FDI، تحریک صادرات توسط بنگاه‌های داخلی از طریق ایجاد پیوندهای صنعتی و یا اثرات سرریز آن است. این اثر، محرک ایجاد تقاضای قوی برای بنگاه‌های داخلی و تقویت صادرات است. جذب FDI از سمت عرضه بر صادرات کشور میزبان اثر می‌گذارد. در واقع FDI می‌تواند موجب ارتقاء بهره‌وری در حوزه‌های صادرات‌گرا شود و به نوبه خود باعث بهبود عملکرد صادراتی گردد. افزایش صادرات نه تنها افزایش بهره‌وری را در پی دارد بلکه خود موجب جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود.

به طور خلاصه جذب FDI از طرق زیر باعث رشد صادرات اقتصاد میزبان می‌گردد:

- تقویت سرمایه داخلی مورد نیاز برای صادرات
- کمک به انتقال تکنولوژی و محصولات جدید برای صادرات
- تسهیل دسترسی به بازارهای جدید و بزرگ خارجی
- تامین آموزش لازم برای نیروی کار و بروز نمودن مهارت‌های فنی و مدیریتی محلی

صادرات کالایی کشور چین تا حد زیادی متکی به صادرات بنگاه‌های خارجی مستقر در این کشور بوده و در سالهای گذشته سهم صادرات این بنگاه‌ها از کل صادرات چین به بیش از ۵۰ درصد هم می‌رسیده است که طی سالهای اخیر اگرچه کمی از این سهم کاسته شده ولی همچنان سهم قابل تاملی از صادرات توسط این بنگاه‌ها انجام می‌شود. در سال ۲۰۱۶ سهم صادرات بنگاه‌های خارجی ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور از کل صادرات چین، معادل ۴۳.۷ درصد بوده است.

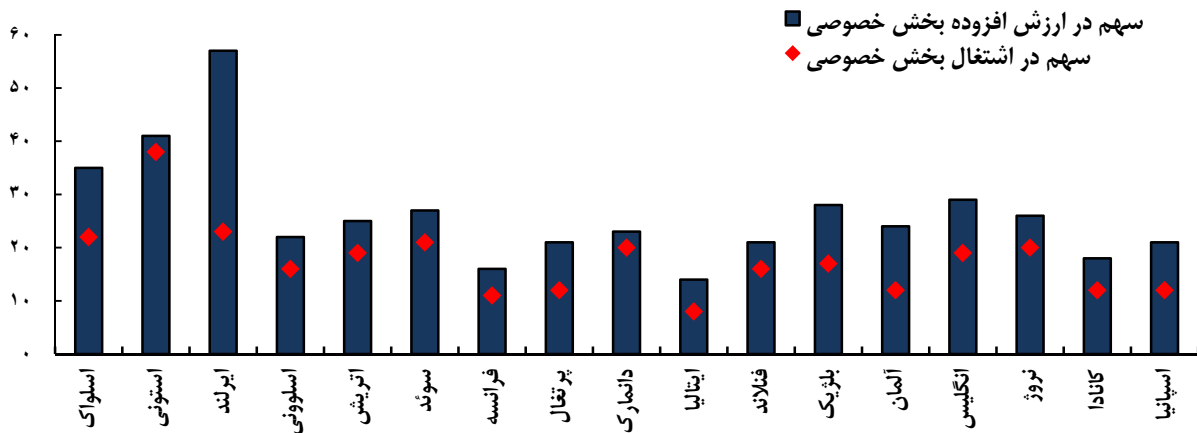
اخیراً سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی، OECD اقدام به تهیه گزارشاتی نموده که طی آنها به بررسی توام جذب FDI و تجارت بین‌المللی که دو محرک اصلی توسعه زنجیره‌های جهانی ارزش هستند، می‌پردازد. صرف نظر از تاثیر متقابل و مکمل قوی این دو جریان، معمولاً در بررسی‌های آماری داده‌های مربوط مستقل و جداگانه تحلیل می‌شوند. مطالعات جدید OECD برای اولین بار شواهد روشنی را از نقش سرمایه‌گذاری خارجی در زنجیره‌های جهانی ارزش ارائه می‌دهد. این سلسله گزارشات کشوری، اطلاعات مفید و با ارزشی را در اختیار دولت‌ها می‌گذارد تا ضمن توجه دقیق‌تر به تجارب و موفقیت‌های سایر کشورها، اقدامات لازم را برای تعیین سیاست‌های مرتبط با زنجیره‌های ارزش، تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه انجام دهند.

بخشی از نتایج جالب این گزارشات در رابطه با تاثیر جذب FDI بر ارزش افزوده و اشتغال بخش خصوصی بویژه صادرات کالایی، ذیلآ ارائه می‌شود:

بررسی آخرین داده‌های منتشر شده توسط سازمان OECD در خصوص ۱۷ کشور نشان می‌دهد که به طور میانگین سهم بنگاه‌های خارجی در اشتغال و ارزش افزوده بخش خصوصی به ترتیب برابر با ۱۷.۵ و ۲۶ درصد است (نمودار ۱). در کشورهای استونی، ایرلند و جمهوری اسلواک، سهم بنگاه‌های خارجی در ارزش افزوده تولیدی بخش خصوصی ارقامی بین ۳۵ تا ۵۷ درصد را به خود اختصاص داده است. ۳۸ درصد از اشتغال استونی ناشی از سرمایه‌گذاری ایجاد شده توسط بنگاه‌های خارجی در این کشور است که اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی را در اقتصاد این کشور نشان می‌دهد.



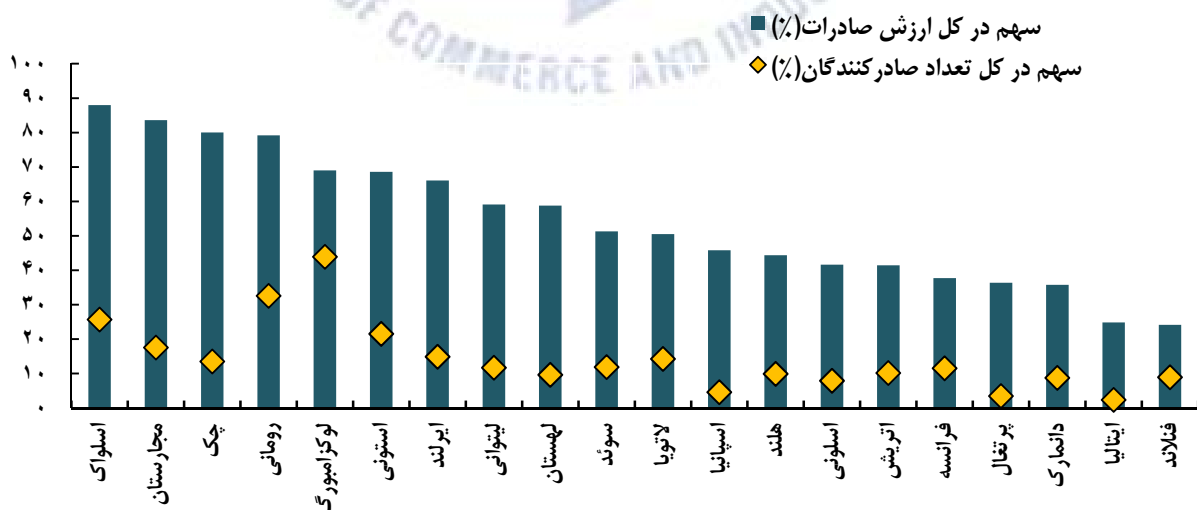
نمودار ۱- سهم بنگاه های خارجی در اشتغال و ارزش افزوده بخش خصوصی کشورهای OECD- ۲۰۱۳



منبع داده ها: OECD

بنگاه های خارجی سهم بالایی از کل صادرات و یا واردات را در مقایسه با بنگاه های داخلی در اختیار دارند. به طور متوسط در رابطه با ۲۰ کشور OECD، ۵۴.۳ درصد از کل صادرات توسط بنگاه های خارجی انجام می شود که سهم آنها در کل تعداد صادرکنندگان این کشورها فقط ۱۴.۲ درصد است (نمودار ۲). این نسبت به خوبی توان بالای صادرات توسط بنگاه های خارجی را نشان می دهد و اینکه بنگاه های خارجی نقش مهمی در صادرات این کشورها دارند. جمهوری چک، مجارستان و جمهوری اسلواک، بیش از ۸۰ درصد از کل صادرات و واردات توسط بنگاه های خارجی انجام می شود که از حیث تعدادی فقط ۲۰ درصد از بنگاهها را شامل می شوند. این نسبت برای برخی از کشورها از جمله ایتالیا، پرتغال و اسپانیا که کمتر از ۵ درصد از کل بنگاهها، سهم بسیار بالایی از صادرات و واردات را انجام می دهند، جالب توجه است. نکته مهم این آمارها این است که بنگاه های خارجی دلیل دارا بودن سطح بالاتر تکنولوژی و مقیاس تولید بالاتر، توان صادراتی بالاتری را در قیاس با بنگاه های داخلی دارند.

نمودار ۲- سهم بنگاه های خارجی در تعداد و ارزش صادرات کشورهای OECD- ۲۰۱۴



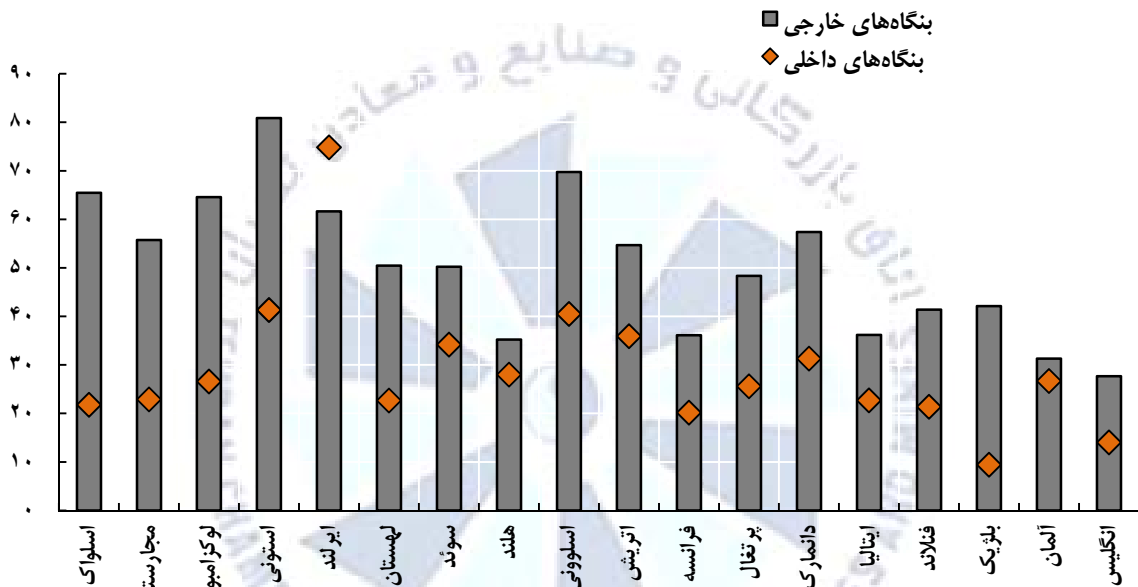
منبع داده ها: OECD



## معاونت بررسی های اقتصادی

به طور میانگین در مورد ۱۸ کشور OECD، صادرات‌گرایی<sup>۶</sup> بنگاه‌های خارجی تقریباً دو برابر بنگاه‌های داخلی است یعنی حدود ۵۱ درصد از فروش بنگاه‌های خارجی به صادرات اختصاص می‌یابد در حالی که این رقم برای بنگاه‌های داخلی فقط ۲۹ درصد است (نمودار ۳). در کشورهای اسلواک، لوکزامبورگ، ایرلند و اسلونی، بیش از ۶۰ درصد از فروش بنگاه‌های خارجی به صادرات اختصاص می‌یابد. تفاوت بین نسبت صادرات به فروش بنگاه‌های خارجی و داخلی در کشورهای مورد بررسی بین ۵ تا ۴۴ واحد درصد متغیر است. تنها کشوری که صادرات‌گرایی بنگاه‌های داخلی آن بیشتر از بنگاه‌های خارجی است، کشور ایرلند بوده که دلیل آن وجود بنگاه‌های قوی فراملیتی صادراتی در این کشور است.

نمودار ۳- میزان صادرات‌گرایی بنگاه‌های داخلی و خارجی در کشورهای OECD- ۲۰۱۴



منبع داده‌ها: OECD

بیش از یک- سوم یعنی ۳۴ درصد از اقتصاد لهستان به بازارهای خارجی وابسته است که همین رقم برای کشورهای اتریش و بلژیک هم صدق می‌کند. بنگاه‌های خارجی نقش مهمی در صادرات لهستان دارند و تقریباً ۵۶ درصد از صادرات ناخالص کالایی این کشور توسط بنگاه‌های خارجی صورت می‌گیرد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی سالانه لهستان حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. سهم فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های سرمایه‌گذار خارجی مستقر در لهستان از تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۴ حدود ۲۸ درصد بوده است.

<sup>۶</sup> نسبت صادرات به فروش



#### معاونت بررسی های اقتصادی

یک پنجم از اقتصاد مکزیک متکی به بازارهای خارجی است. این کشور دارای نفوذ بالایی در زنجیره‌های جهانی ارزش در قالب محتوی بالای وارداتی اقلام صادرات است. در سال ۲۰۱۵ میزان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی مکزیک حدود ۴۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده که در مقایسه با ارقام مشابه OECD، بالاتر است.

مهمترین صنایع صادراتی مکزیک خودرو و صنایع کامپیوتر و الکترونیک هستند. صادرات ناخالص مکزیک در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۴۰۴ میلیارد دلار (۳۷ درصد GDP) و واردات آن هم حدود ۴۲۷ میلیارد (۴۰ درصد GDP) بوده است.

#### نتیجه گیری

با توجه به نتایج بررسی‌های انجام شده در رابطه با نقش قابل توجه بنگاه‌های خارجی در توسعه اقتصادی و رشد صادرات کشورها به ویژه اقتصادهای در حال توسعه، **تنها راهکار رشد معنادار و جهشی صادرات کشور ایران، جذب سرمایه گذاری خارجی است.** جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی هم در گرو ایجاد محیط کسب و کار روان، رقابتی و مساعد برای انجام فعالیت‌های اقتصادی ضمن استمرار بخشی به ثبات اقتصاد کلان، است.